

بررسی و تحلیل ساختاری عنوان‌ها در هشت کتاب سهراب سپهری

ساره تربیت، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل خرمشهر-خلیج فارس.

sara.tarbiat@gmail.com

محمد عنایتی قادیکلایی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران.

enayati7663@yahoo.com

چکیده

برخلاف شعر کلاسیک فارسی که انتخاب نام برای شعر، چندان رایج نبوده و شاعران با ابزارهایی همچون قافیه، ردیف، حرف روی و... به دسته‌بندی اشعار خود می‌پرداختند، انتخاب عنوان در شعر معاصر، از ملزومات اساسی و شیوه‌های قابل اعتنا به حساب می‌آید. عنوان‌ها از مهم‌ترین اجزای هر شعرند که کارکردهای مختلف زیباشناختی دارند. با توجه به اینکه یکی از راه‌های مهم ارتباط با شعر و درک صحیح از آن وابسته به شناختی است که از اجزای سازنده‌ی آن ایجاد می‌گردد، بررسی و شناخت عنوان‌های شعر هر شاعر، اهمیتی ویژه دارد. سهراب سپهری از جمله شاعرانی است که از جهت زبان، تخیل و اندیشه، تأثیر ویژه‌ای بر شعر معاصر نهاده. بنابراین بررسی شعر و اندیشه‌ی او، می‌تواند نقش مهمی در جریان‌شناسی شعر معاصر فارسی ایفا نماید. این جستار، به بررسی دقیق آماری تمام عنوان‌های حاضر در هشت کتاب سپهری پرداخته و ساختار زبانی، ادبی و محتوایی این عنوان‌ها را مورد تحلیل قرار داده است. بررسی‌ها نشان داد سپهری، چه در حوزه‌ی زبان و چه در حوزه‌ی محتوا و صورخیال، از کارکردهای مختلف عنوان‌بندی بهره گرفته است. از سوی دیگر، تفاوت‌هایی در استفاده از عنوان‌ها در مجموعه‌های ابتدایی نسبت به دفاتر پایانی اشعار سهراب دیده می‌شود که این تغییرات با توجه به تغییر اندیشه وی در دوره‌های زمانی مختلف، ایجاد شده است. در نهایت، اساسی‌ترین نتیجه‌ی این مقاله آن است که از طریق تحلیل عنوان‌ها می‌توان به شناخت اندیشه و درون‌مایه‌های شعر هر شاعر دست یافت و خط فکری وی در دوره‌های مختلف را ترسیم کرد.

واژگان کلیدی: سهراب سپهری، عنوان، ساخت زبانی، ساخت ادبی، محتوا

۱. مقدمه

یکی از راه‌های مهم ارتباط با شعر و درک و دریافت صحیح از آن وابسته به شناختی است که مخاطب از عناصر و اجزای سازنده‌ی شعر همانند «واژه» دارد. شناخت واژه، بویژه واژگان اختصاصی هر شاعر، نقش برجسته‌ای را در شناخت و درک مفهوم شعر دارد. می‌توان گفت این یک اصل ثابت شده است که میزان حضور یک واژه یا واژگانی خاص در یک اثر می‌تواند ما را به نتایج تعیین‌کننده‌ی درباره‌ی صاحب آن اثر برساند؛ «روانشناسان معتقدند از روی تنوع و بسامد یک واژه می‌توان گرایش‌های فکری، عاطفی، اجتماعی و سیاسی نویسنده‌ی آن را تشخیص داد. فروید بر این باور است که راز بیماری روانی را از کاربرد بیش از اندازه‌ی پاره‌ای از واژه‌ها که حکایتگر و سوسه‌ی فرد است، می‌توان دریافت» (غیائی، ۱۳۶۸: ۳۹). هر شاعر بنا به شرایط و دلایل مختلفی مانند شخصیت فردی، میراث ادبی گذشته، محیط زندگی، جو سیاسی و اجتماعی زمانه و... از واژگان خاصی استفاده می‌نماید و این واژگان اندوخته در ذهن شاعر است که هر کدام بر شیئی یا مفهومی که شاعر نسبت به آن آشنایی دارد، دلالت می‌کند و می‌تواند چون چراغی، فراراه شناخت مسیر شعر قرار گیرد. یکی از این واژگان تاثیرگذار در ساختار شعر هر شاعر، نام یا عنوانی است که وی بر شعر خود می‌نهد؛ عنوان‌های شعری، جزو برجسته‌ترین و ماندگارترین واژگان اندوخته در ذهن شاعرند که از طریق آن می‌توان به ساختار فکری وی دست یافت.

«یکی از الگوهای بررسی و تحلیل متن ادبی، مسئله‌ی تحلیل ساختار متن یا انسجام متن با توجه به نام و عنوان‌های آن است که شامل روابط و مناسبات میان جملات و عباراتی است که در یک مجموعه آورده می‌شود تا اثر را به یک

ساختمان منسجم و همبسته تبدیل کند. چون میان عنوان و مقدمات هر جزء هنری و ادبی با شاکله‌ی متن ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که کشف این ارتباط در محورهای زبانی، ساختاری و محتوایی می‌تواند به تحلیل واقعی متن بینجامد» (گرجی، میری، ۱۳۸۸: ۸۰).

همچنین محققان عنوان شعر را از جنبه‌های زیباشناختی مورد ارزیابی قرار داده و کارکردهایی برای آن متصور شده‌اند که برخی از آنها عبارتند از: «نقش عنوان شعر در فضا سازی، کمک در درک معنای شعر، تناسب عنوان شعر با جنسیت، روحیات و محیط زندگی شاعر و تاکید بر درون‌مایه‌ی شعر» (رک دهرامی، ۱۳۹۴: ۲۸-۳۲).

ذکر نام و عنوان برای اشعار گرچه در ادبیات کلاسیک فارسی نیز دیده می‌شود اما نمود و بروز واقعی آن در شعر مشروطه و بعد از آن است؛ «نگاهی به ادبیات فارسی نشان می‌دهد پیشینیان هرچند در نام‌گذاری کتاب‌های خود دقت خاصی داشته و معمولاً دلیل انتخاب خود را شرح می‌داده‌اند، اما برای نام‌گذاری هر یک از اشعار خود چندان به تعیین نام توجه نمی‌کرده‌اند» (دهرامی، ۱۳۹۴: ۲۰). البته در مواردی اندک از قصاید، عنوان‌بندی شعر مد نظر قرار می‌گرفت و معیار این نام‌گذاری‌ها، اغلب عناصری چون ردیف، قافیه، محتوا، بیت مطلع، حرف روی و... بوده است. اما در شعر معاصر به نام‌گذاری اشعار توجه ویژه‌ای شده و به ندرت شعری یافت می‌شود که عنوان نداشته باشد. «با شکل‌گیری شعر نو، بسیاری از ضوابط شعر سنتی تغییر کرد. البته تاکید بر نام‌گذاری اشعار با نیما آغاز نشد و پیش از او در دوره مشروطه نیز به صورت فراگیر، رایج بود. رواج روزنامه و مجلات و انتشار شعر و ترجمه شعر در آنها، نقشی مؤثر در توجه به نام‌گذاری اشعار میان شاعران داشت» (همان: ۲۷). در این جستار تلاش می‌شود عنوان تمام شعرهای سهراب سپهری - هشت کتاب - مورد ارزیابی دقیق آماری قرار گیرد تا ساختارهای مختلف زبانی، ادبی و محتوایی آن مشخص گردد و بدین طریق بتوان به ذهن و چارچوب فکری شاعر دست یافت. شاید حجم شعر و تعداد عناوین اشعار سپهری به نسبت هم‌عصران او، زیاد نباشد اما وی یکی از تاثیرگذارترین شاعران معاصر است که در شکل‌گیری و رشد شعر معاصر بویژه از لحاظ معنا، نقش برجسته‌ای ایفا نموده است. لذا تدقیق در عنوان‌های شعر سپهری می‌تواند در بررسی روند نام‌گذاری و گزینش عنوان در شعر معاصر راهگشا باشد.

۱-۲- روش و محدوده‌ی تحقیق

در این مقاله از روش تحلیل محتوا استفاده شده و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، به صورت کتابخانه‌ای است. نگارندگان تلاش نمودند با استفاده از اطلاعات آماری و ارائه‌ی نمودارهای مختلف به جوانب زبانی و معنایی عنوان‌ها در شعر سهراب بپردازند. برای نیل به این هدف، کلیه اشعار هشت‌گانه‌ی سهراب سپهری مورد ارزیابی قرار گرفت.

۱-۳- سوال تحقیق

اصلی‌ترین پرسشی که در این مقاله در پی پاسخ بدان هستیم این است که آیا از طریق بررسی عنوان‌های شعر سپهری، می‌توان به درونمایه‌ها و اندیشه‌های وی پی برد؟

۱-۴- پیشینه‌ی تحقیق

تحلیل و نقد عنوان‌ها و اسامی بخش‌های درونی مجموعه‌های شعر شاعران، از شیوه‌های تازه در بررسی یک متن و جریان فکری حاکم بر آن است که سابقه‌ی چندانی در ادبیات فارسی ندارد و پژوهش‌های چندانی نیز در این باره صورت نگرفته است. دلیل این موضوع، شاید عدم توجه به نام‌گذاری در اشعار کلاسیک فارسی باشد. در سال‌های اخیر، چند مقاله و تحقیق در این زمینه نوشته شده که از جمله‌ی آنها می‌توان به مقاله‌ی محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب «زمینه اجتماعی شعر فارسی» اشاره کرد که به بررسی اشعار معاصر عرب پرداخته است. از مقالات دیگر در این زمینه عبارتند از: «بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصر امین‌پور» از مصطفی گرجی و افسانه میری (۱۳۸۸). «بررسی ساختاری-محتوایی عنوان‌های شعری م. سرشک در آیین‌های برای صداها» از مسعود روحانی و محمد

عنایتی (۱۳۹۴). در این دو مقاله، به بررسی روند انتخاب عنوان‌ها و تحلیل محتوایی و ساختاری آنها در شعر قیصر امین‌پور و م. سرشک پرداخته شده است. در مقاله‌ی دیگری به نام «بررسی چگونگی نام‌گذاری عنوان شعر در ادبیات سنتی و معاصر و کارکردهای زیباشناختی آن» از مهدی دهرامی (۱۳۹۴)، نویسنده ضمن اشاره به روش‌های انتخاب عنوان در اشعار کلاسیک و بیان تفاوت آن با گزینش عنوان در شعر معاصر، کارکردهای زیباشناختی عنوان-های شعری را بر شمرده است. آنچه مسلم است در خصوص سهراب سپهری و جوانب مختلف شعر و اندیشه‌ی وی کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است اما در حوزه‌ی بررسی نام‌ها و عناوین اشعار وی تحقیقی صورت نگرفته است.

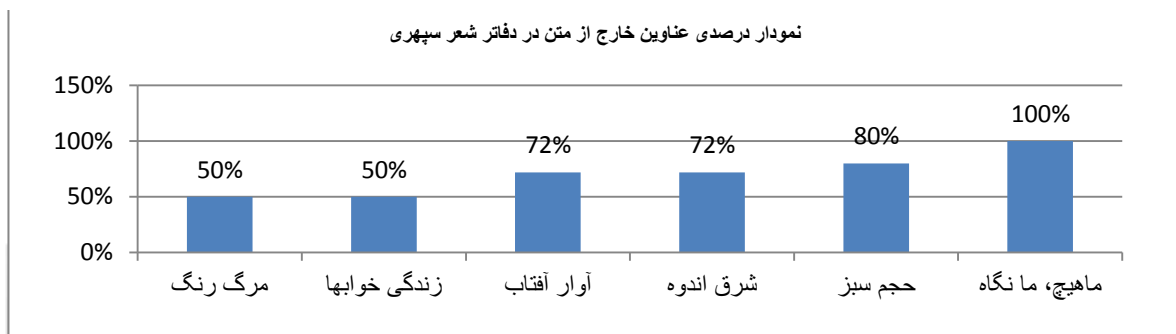
۲- ارتباط عنوان‌ها با متن شعر سپهری

اولین موضوعی که در بررسی عنوان‌های شعری یک شاعر به ذهن خطور می‌نماید این است که وی عنوان را چگونه انتخاب کرده است؟ عنوان هر شعر از دو طریق واژگانی و معنایی با خود شعر ارتباط دارد؛ بدین‌گونه که برخی از عناوین به‌طور مستقیم از داخل متن انتخاب شده و بعضی دیگر، ساخته‌ی ذهن شاعر و در ارتباط معنایی با شعر برگزیده شده‌اند. اهمیت این بخش بدان دلیل است که از طریق آشنایی با چگونگی انتخاب عنوان‌ها، می‌توان به ذهنیات شاعر پی برد. در ادامه به بررسی آماری نحوه‌ی ارتباط عنوان‌ها با شعر در دفاتر مختلف سهراب سپهری^(۱) می‌پردازیم.

۲- زندگی خواب‌ها				۱- مرگ رنگ					
شرق	ت	بخ	خارج	۴- از شعر	۳- آفتاب	ت	بخ	خارج	آوار
	عداد	ش		اندوه		عداد	ش	۱	
ما	۱	آغا	داخل	۶- شعر	۵- سبز	۱	آغا	داخل	حجم
	ما نگاه	زین		هیچ،		۳	زین	شعر	
	۵	میا بخ	خارج			۳	میا بخ	خارج	
	عداد	نی	از شعر			عداد	نی	۰	
	۲	آغا	داخل			۴	آغا	داخل	
		زین	شعر				زین	شعر	
	ت	میا				۲	میا		
	عداد	ش	از شعر			عداد	ش	۲	
	۳	آغا	داخل			۰	آغا	داخل	
		زین	شعر				زین	شعر	
	۱	میا				۴	میا		
		نی					نی		
	۳	پا				۵	پا		
		یانی					یانی		

	نی		
۰	پا		
	یانی		

در این جداول می‌بینیم که سپهری عنوان‌های اشعار خود را از چه طریقی (واژگانی یا معنایی) انتخاب نموده است. با نگاهی کلی به این آمارها در می‌یابیم شاعر از مجموع ۱۳۳ شعر، عنوان ۹۳ مورد را از بیرون شعر و عنوان ۴۰ مورد را از داخل شعر برگزیده است. به عبارت دیگر، ۶۹ درصد عناوین از طریق معنایی و با تلاش ذهنی شاعر برگزیده شده است. اما آنچه در این بررسی مهم‌تر جلوه می‌نماید، روند انتخاب عناوین در دفترهای مختلف است که به - روشنی در نمودار زیر نشان داده می‌شود:



این نمودار بر اساس تعداد عناوین انتخاب شده از خارج متن، شکل گرفته است و همان‌گونه که نشان می‌دهد روند انتخاب عنوان به طور معنایی (خارج از متن) از دفتر ابتدایی (مرگ رنگ) تا دفتر پایانی (ماهچچ، ما نگاه)، سیر صعودی دارد به گونه‌ای که در آخرین مجموعه شعر، اثری از عناوین واژگانی (درون‌متنی) نیست و تمام عنوان‌ها از بیرون متن برگزیده شده‌اند. این موضوع بر معناگرا بودن شاعر، به‌ویژه در مجموعه‌های پایانی، تاکید دارد. به زبانی دیگر، هرچه به دفتر پایانی نزدیک می‌شویم، شاعر توجه خود را از لفظ به معنا معطوف نموده است. دلیل این تغییر را باید در نظام فکری سهراب جستجو کرد. به گونه‌ای که اندیشه‌ی درون‌گرا در مجموعه‌های پایانی‌اش بیشتر نمود پیدا می‌کند و این حاصل تاثیر مضامین عرفانی بر شعر سهراب است. در این دفتر شعر، رنگ و بوی عرفانی کاملاً محسوس است و سهراب اندیشه‌های ناب و کشف و شهودهای عارفانه را در این اشعار بروز داده است. به قول سیروس شمیسا، در آنها (دفتر پایانی) مبنای عرفانی و دستگاه منسجم فکری دیده می‌شود (رک شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۲). ناگفته پیداست که انتخاب عنوان‌ها از طریق معنایی، سهم خواننده را در فهم اشعار بیشتر می‌نماید چه، در اشعاری که عنوان آنها از داخل متن شعر انتخاب شده‌اند، مخاطب راحت‌تر به مقصود شاعر پی می‌برد و تلاش چندانی برای درک منظور شاعر انجام نمی‌دهد.

بررسی آماری به عمل آمده از جهتی دیگر نیز قابل استفاده است و آن اینکه در یابیم عنوان‌های واژگانی (درون‌متنی) از کدام قسمت شعر، برگزیده شده‌اند. از تعداد ۴۰ عنوان درون‌متنی، ۸ مورد از ابتدای اشعار، ۱۵ مورد از بخش میانی و ۱۷ مورد از بخش پایانی انتخاب شده‌اند که این موضوع، بیان‌کننده‌ی اهمیت بخش پایانی و نحوه‌ی پایان-بندی شعر در نظر شاعر است. «زیرا معمولاً عنوان‌های شعری در بردارنده‌ی مضمون اصلی آن شعر و ارائه‌کننده‌ی هدف، احساس و اندیشه‌ی شاعر می‌باشند و وقتی شاعری عنوان شعر را در بخشی از شعر جای می‌دهد بیانگر اهمیتی است که آن شاعر بدان بخش از شعر می‌نهد» (روحانی و عنایتی، ۱۳۹۴: ۹۱).

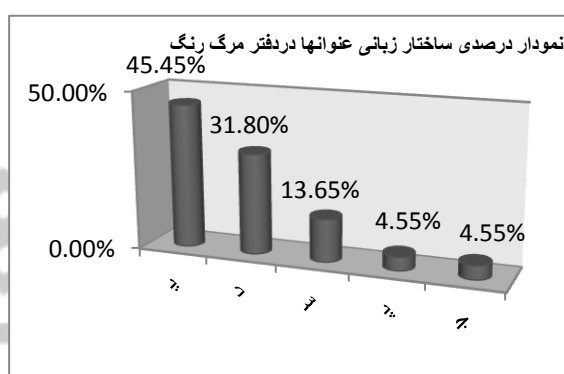
۱-۲- بررسی زبانی عنوان‌ها

در این بخش به ساختار زبانی عنوان‌ها توجه شده و انواع مختلف یک جزیی (ساخت واژه‌ای)، دو جزیی و.. ساخت جمله‌ای و پیوندی به تفکیک هر دفتر شعر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-مرگ رنگ

این دفتر، اولین مجموعه شعر سهراب سپهری است که شامل ۲۲ عنوان شعر می‌باشد. آمار ساختار زبانی عنوان‌ها در این مجموعه شعر در پی می‌آید:

ساخت	یک جزیی	دو جزیی	سه جزیی	پیوندی	جمله‌ای
تعداد	۱۰	۷	۳	۱	۱



چنان که دیده می‌شود پرکاربردترین عنوان، از نوع یک جزیی است. نمونه‌هایی از هر یک از ساخت‌های زبانی در دفتر «مرگ رنگ» به شرح ذیل است:

ساخت یک جزیی (واژه‌ای): سپیده، سراب و خراب.

ساخت دو جزیی: غمی غمناک، دره خاموش و سرود زهر.

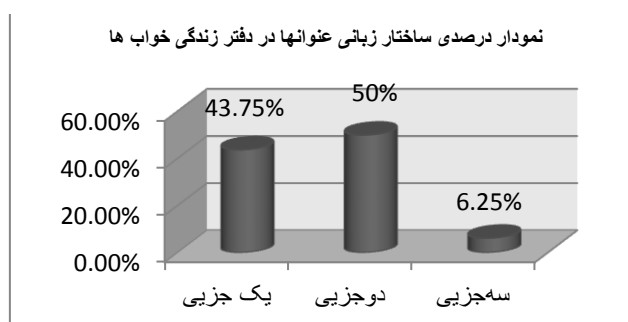
ساخت سه جزیی: رو به غروب، در قر شب و با مرغ پنهان.

ساخت پیوندی: دریا و مرد.

ساخت جمله‌ای: دود می‌خیزد.

۲- زندگی خواب‌ها

ساخت	یک جزیی	دو جزیی	سه جزیی
تعداد	۷	۸	۱



در مجموعه شعر «زندگی خواب‌ها» عنوان جمله‌ای دیده نمی‌شود و شاعر سعی نموده از عناوین کوتاه استفاده نماید به نحوی که فقط یک عنوان سه جزیی دیده می‌شود. نمونه‌های آن عبارتند از:

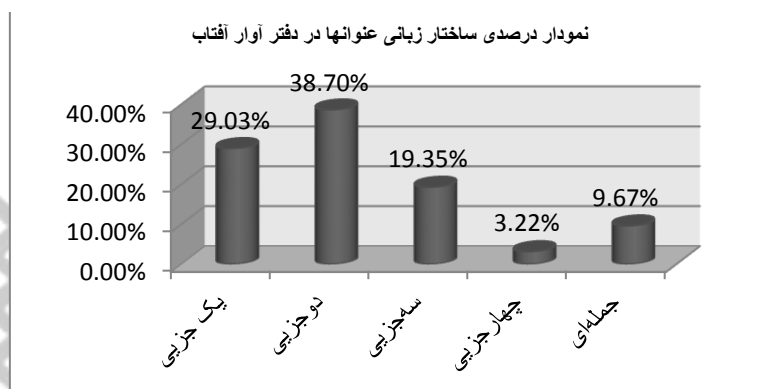
ساخت یک جزیی (واژه‌ای): نقش، وهم و پرده.

ساخت دو جزیی: خواب تلخ، فانوس خیس و جهنم سرگردان.

ساخت سه جزیی: باغی در صدا.

۳- آوار آفتاب

ساخت	یک جزیی	دو جزیی	سه جزیی	چهار جزیی	جمله‌ای
تعداد	۹	۱۲	۶	۱	۳



در این دفتر شعر، از تعدادی عناوین طولانی‌تر (چهار جزیی و جمله‌ای) بهره برده شده اما عنوان‌های یک جزیی و دو جزیی همچنان بسامد بیشتری دارند:

ساخت یک جزیی (واژه‌ای): طنین، همراه و فراتر.

ساخت دو جزیی: گل آینه، غبار لبخند و پرچین راز.

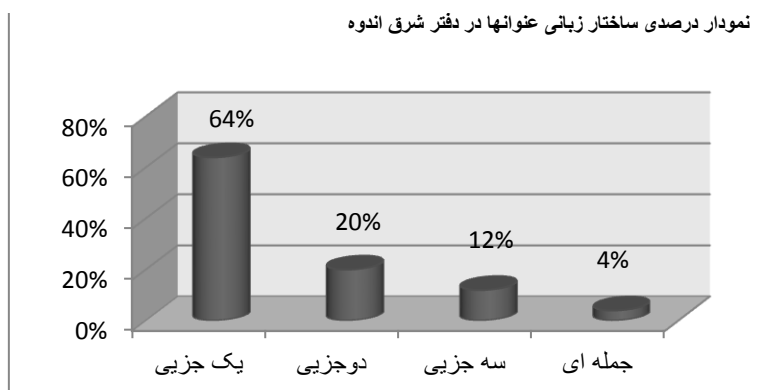
ساخت سه جزیی: روزنه‌ای به رنگ، کو قطره وهم و برتر از پرواز.

ساخت چهار جزیی: در سفر آن سوها.

ساخت جمله‌ای: موج نوازشی ای گرداب، نزدیک آی و سایبان آرامش ما، ماییم.

۴- شرق اندوه

ساخت	یک جزیی	دو جزیی	سه جزیی	جمله‌ای
تعداد	۱۶	۵	۳	۱



همان‌گونه که آمارهای فوق نشان می‌دهد، بسامد ساختار یک‌جزیی در مجموعه شعر «شرق اندوه» از انواع دیگر، بسیار بیشتر است. نمونه‌هایی از عناوین این مجموعه:

ساخت یک جزیی (واژه‌ای): روانه، پادمه و گزار.

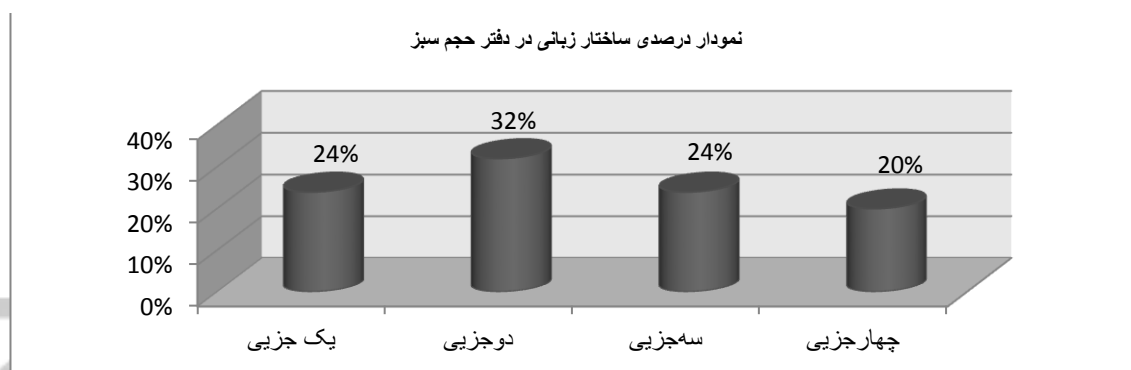
ساخت دو جزیی: شیطان هم، شورم را و تنها باد.

ساخت سه جزیی: نه به سنگ، و چه تنها و تا گل هیچ.

ساخت جمله‌ای: و شکستم و دویدم و فتادم.

۵- حجم سبز

ساخت	یک جزیی	دو جزیی	سه جزیی	چهار جزیی
تعداد	۶	۸	۶	۵



در مجموعه «حجم سبز» عنوان‌های دو جزیی بیشترین کاربرد را دارند و البته تعداد عنوان چهارجزیی حاضر در این دفتر نیز از تمام دفاتر قبلی شاعر بیشتر است:

ساخت یک جزیی (واژه‌ای): آب، نشانی و همیشه.

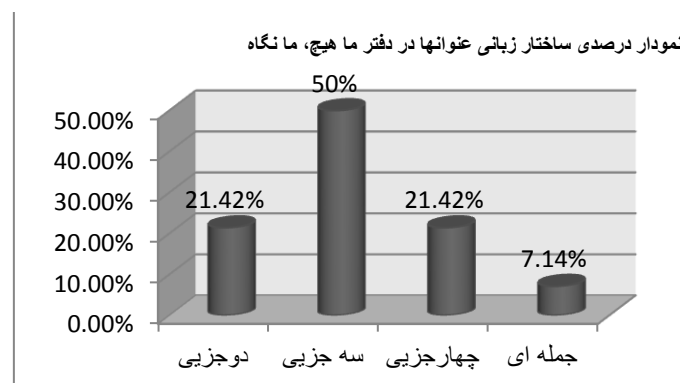
ساخت دو جزیی: پیغام ماهی‌ها، صدای دیدار و پره‌های زمزمه.

ساخت سه جزیی: تپش سایه دوست، واحه‌ای در لحظه و ورق روشن وقت.

ساخت چهارجزیی: و پیامی در راه، از روی پلک شب و تا نبض خیس صبح.

۶- ما هیچ، ما نگاه

ساخت	دو جزیی	سه جزیی	چهار جزیی	جمله‌ای
تعداد	۳	۷	۳	۱



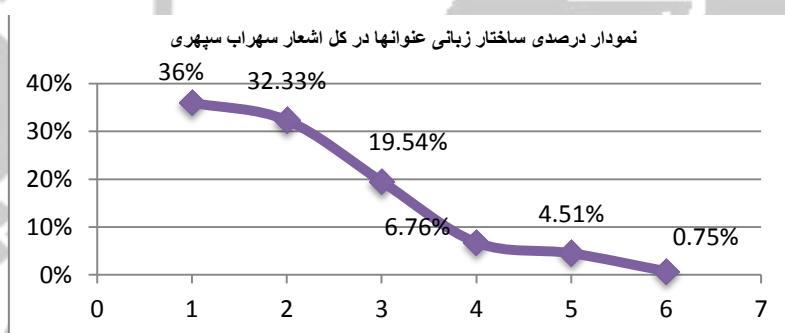
«ما هیچ، ما نگاه»، تنها دفتر شعر سپهری است که در آن از عنوان یک جزیی استفاده نشده است. در این مجموعه، عنوان سه جزیی بیشترین کاربرد را داراست. نمونه‌هایی از عناوین آن:
ساخت دو جزیی: نزدیک دورها، تنهای منظره و بی‌روزها عروسک.
ساخت سه جزیی: اکنون هیوط رنگ، متن قدیم شب و چشمان یک عبور.
ساخت چهارجزیی: ای شور ای قدیم، از آب‌ها به بعد و هم سطر هم سپید.
ساخت جمله‌ای: اینجا پرنده بود.

بررسی نمودارهای ارائه شده‌ی هر مجموعه شعر، بیانگر آنست که در تمام مجموعه‌ها، عناوین یک و دو جزیی بسامد بیشتری دارند و فقط در دفتر «ما هیچ، ما نگاه»، تعداد عناوین سه جزیی بیشتر است. نکته‌ی جالب آن که در میان دفاتر هشت‌گانه‌ی سهراب، فقط عنوان همین مجموعه شعر، به صورت ۴ جزیی آمده است و نام بقیه مجموعه‌ها کمتر از ۴ جزء است.

۲-۱-۱- بررسی کلی عنوان‌های شعری از منظر زبان

برای درک بهتر و دقیق‌تر روش سهراب سپهری در انتخاب عناوین در دوره‌های مختلف شعری، جدول و نمودار کلی ساختار زبانی در تمام دفاتر شعری وی ارائه می‌گردد:

ساخت	یک جزیی	دو جزیی	سه جزیی	چهار جزیی	جمله‌ای	پیوندی
تعداد	۴۸	۴۳	۲۶	۹	۶	۱



جدول فوق تعداد دقیق عناوین در همه‌ی دفاتر شعری سهراب سپهری را نشان می‌دهد. بر این اساس، بسامد عنوان‌های یک‌جزیی بیش از سایر انواع است و ساختار دو جزیی نیز تعداد نسبتاً زیادی را به خود اختصاص داده است. نکته‌ی برجسته در نمودار بالا این است که خط سیر ساختار زبانی عنوان‌ها در شعر سپهری از عنوان یک جزیی به سمت عنوان‌های طولانی‌تر (جمله‌ای و پیوندی) کاملاً نزولی است و این نمودار، تمایل شاعر به انتخاب عنوان با اجزای کمتر را به خوبی روشن ساخته است. در ضمن تعداد اجزای عنوان‌ها در شعر سهراب -جزی یک مورد- از چهار جزء عدول نمی‌نماید. موضوع دیگر در بررسی ساختار زبانی عناوین شعر سپهری، بسامد ساخت دو جزیی است که بیانگر تمایل شاعر به ترکیب‌سازی است. این ترکیب‌ها شامل ترکیب‌های وصفی، وصفی مقلوب و اضافی می‌گردد. «ترکیب‌ها از سازه‌های زبانی هستند که به گونه‌های مختلف در زبان رواج دارند. سخن‌سرایان توانمند گذشته، همواره با آمیزش واژه‌ها و ساختن ترکیب‌های گوناگون به توسعه زبانی و خلق معانی تازه دست زده‌اند. آفرینش ترکیب‌های تازه، به نو شدن زبان شعر کمک می‌کند و اغلب در ایجاز سخن کارساز است» (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

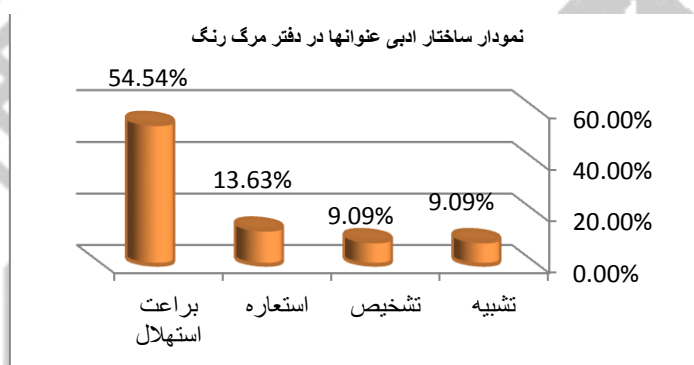
در بخش ساختار زبانی عنوان‌ها، باید به استفاده‌ی شاعر از حروف نیز اشاره کرد؛ در ۲۷ مورد (۲۰٪) از عناوین شعر سهراب، از حرف استفاده شده است. برخی از این عنوان‌ها عبارتند از: با مرغ پنهان، ای نزدیک، به زمین، و چه تنها،

تا گل هیچ، از سبز به سبز و... نکته‌ی مهم‌تر در این خصوص اینکه ۴ مورد از خود عناوین، به صورت «حرف» انتخاب شده‌اند: «و»، «نا»، «تا» و «هلا». که این پدیده در عنوان‌های شعر معاصر، سابقه چندانی ندارد و خلاقیت به شمار می‌آید.

۲-۲- بررسی ادبی عنوان‌ها

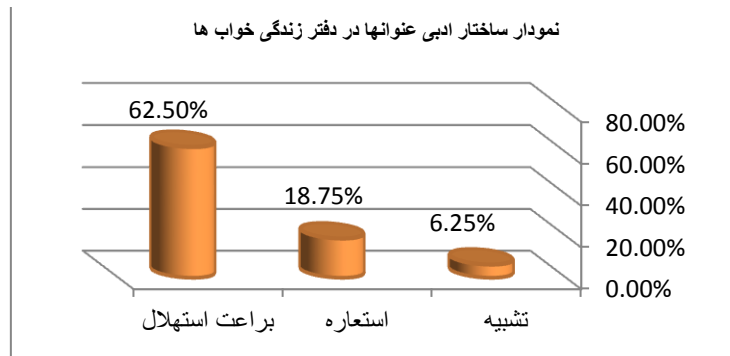
یکی دیگر از راه‌های بررسی عناوین شعری، تحلیل ادبی آنهاست بدین گونه که دریابیم شاعر از طریق انتخاب یک عنوان، چه صورت ادبی را ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، برخی از شاعران در گزینش عنوان برای شعر خود، به جنبه‌ی بدیعی و بیانی آن نیز توجه نشان می‌دهند و با ایجاد واژگان یا ترکیب‌های ادبی به گسترش صورخیال شعر خود کمک می‌نمایند. قبل از بررسی عنوان اشعار هر مجموعه، ابتدا باید ببینیم عنوان خود مجموعه‌ها از لحاظ ادبی به چه صورت است؟ موضوع قابل توجه در عنوان این مجموعه‌ها، حضور پررنگ آرایه‌ی تشخیص است به گونه‌ای که سه مورد از این عناوین دارای ساختار تشخیص هستند: مرگ رنگ، زندگی خواب‌ها و صدای پای آب. البته آرایه‌هایی مانند تشبیه در دفتر آوار آفتاب و استعاره در دفتر مسافر، دیده می‌شود. در ادامه به بررسی آماری صنایع ادبی حاصل از عنوان‌های شعری در دفاتر مختلف شعر سهراب می‌پردازیم.

۱- مرگ رنگ



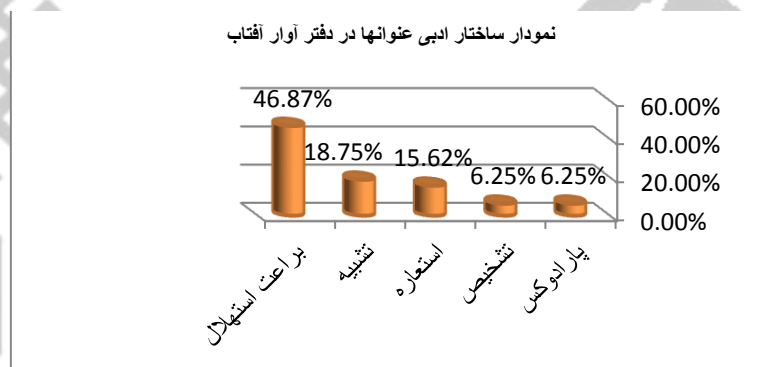
همان گونه که دیده می‌شود براعت استهلال با ۵۴,۵۴ درصد پربسامدترین آرایه در مجموعه‌ی «مرگ رنگ» است. منظور از براعت استهلال، ساختار کلاسیک آن که در ابتدای قصاید ذکر می‌شده، نیست بلکه در شعر معاصر، شاعر با انتخاب عنوان شعری، مخاطب را با مسیر کلی شعر و طرح اصلی آن آشنا می‌سازد. عنوان‌هایی مانند: «سپیده، سراب، دلسرد، دریا و مرد...» از این گونه می‌باشند. در این دفتر شعر، ۳ مورد استعاره (جان گرفته و نایاب)، ۲ مورد تشبیه (در قیر شب و مرغ معما) و ۲ مورد تشخیص (مرگ رنگ و دره خاموش) وجود دارد که مجموعاً حدود ۳۰ درصد آرایه‌ها را شامل می‌شوند. بنابراین صنعت برائت استهلال در این دفتر کاربرد بیشتری دارد که این موضوع نشانگر آنست که شاعر سعی دارد درک موضوع و مسیر شعر را برای خواننده آسان‌تر بسازد. در این مجموعه شعر، بیش از ۸۶ درصد عنوان‌ها از نوع ادبی هستند.

۲- زندگی خواب‌ها



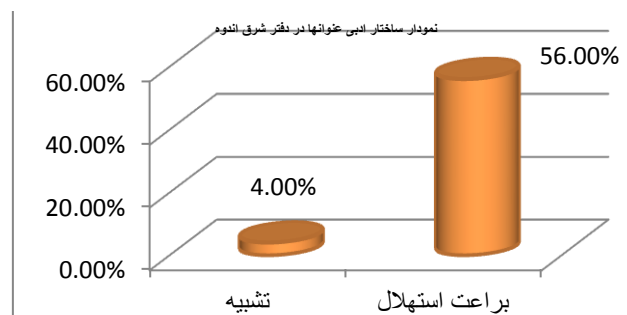
در مجموعه شعر «زندگی خواب‌ها»، فقط ۳ نوع آرایه ادبی دیده می‌شود و همانند دفتر مرگ رنگ، آرایه براعت استهلال نمودی برجسته دارد و ۶۲،۵۰ درصد از عنوان‌ها را تشکیل داده است: «خواب تلخ، یادبود، پاداش و سفر» بعضی از این گونه عنوان‌ها هستند. در ۱۸،۷۵ درصد از عنوان‌ها از صنعت استعاره استفاده شده است که از جمله آنها می‌توان به: «فانوس خیس، جهنم سرگردان و باغی در صدا» اشاره کرد. ۱ مورد تشبیه نیز در این عنوان‌ها دیده می‌شود: «مرغ افسانه». در مجموع، ۱۴ عنوان از ۱۶ عنوان حاضر در دفتر «زندگی خواب‌ها» به صورت ادبی انتخاب شده‌اند.

۳- آوار آفتاب



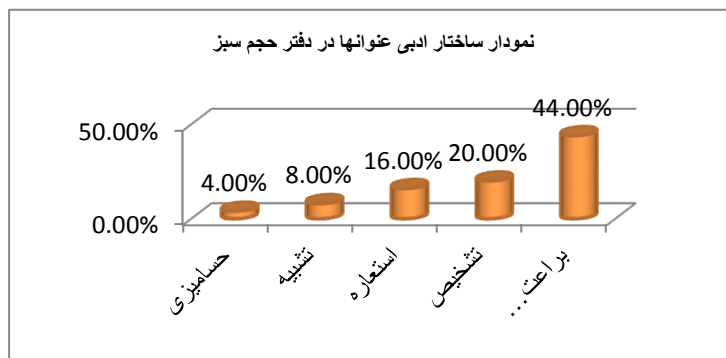
براعت استهلال، تشبیه، استعاره، تشخیص و پارادوکس از آرایه‌های حاضر در عناوین مجموعه «آوار آفتاب» اند که به جز آرایه‌ی پارادوکس، بقیه آنها در دفاتر قبلی نیز وجود داشتند. در این مجموعه نیز براعت استهلال بیشترین بسامد را دارد. نمونه‌هایی از این آرایه: «همراه، دیاری دیگر، نیایش و محراب». بسامد تشبیه (۱۸،۷۵٪) در این دفتر، قابل توجه است. برخی از این نوع عناوین عبارتند از: «غبار لبخند، گل آینه، تا گل هیچ و پرچین راز». نمونه‌هایی از سایر صنایع ادبی: استعاره: «بی تار و پود و ای نزدیک»، تشخیص: «آوای گیاه و گردش سایه‌ها»، پارادوکس: «بیراهه- ای در آفتاب و خوابی در هیاهو».

۴- شرق اندوه



در عنوان‌های مجموعه شعر «شرق اندوه»، کمترین انواع آرایه (۲ نوع) دیده می‌شود. از سوی دیگر ۶۰ درصد از عنوان‌های این دفتر دارای ساختار ادبی‌اند که شامل ۱ مورد تشبیه (تا گل هیچ) و ۱۴ مورد براعت استهلال است که برخی از آنها عبارتند از: «گزار، لب آب، نیایش و روانه».

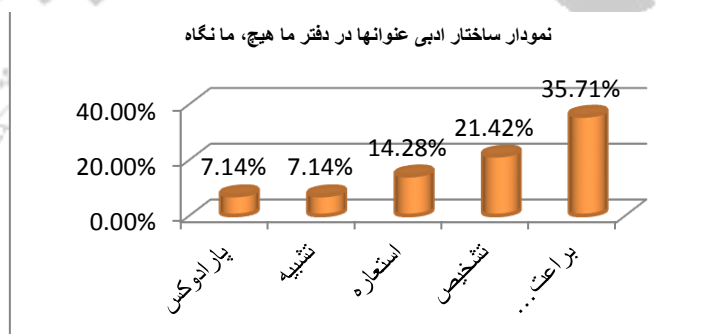
۵- حجم سبز



۴۴ درصد عنوان‌ها در این مجموعه، از نوع براعت استهلال‌اند که بیشترین بسامد را در بین آرایه‌های دیگر دارد و از این نوع می‌توان به «و پیامی در راه، ساده رنگ و نشانی» اشاره کرد. نکته‌ی برجسته در این مجموعه، حضور پررنگ آرایه‌ی تشخیص است که ۲۰ درصد عنوان‌ها را شامل شده است. نمونه‌هایی از آن عبارت است از: «از روی پلک شب، پیغام ماهی‌ها و پره‌های زمزمه». آنچه مسلم است توجه سپهری به صنعت تشخیص در مجموعه «حجم سبز» غیر قابل انکار است؛ سپهری جهان را یکپارچه زنده و جاندار می‌بیند، یعنی تمام عناصر جهان با او در حال غمزه‌اند و هر یک زبانی و دنیایی برای او می‌کشایند. «سپهری برای صنعت تشخیص بیش از شگردهای دیگر اعتبار و شخصیت قائل شده به گونه‌ای که در کمتر شعری از او می‌توان جای این صنعت را خالی دید» (حسینی، ۱۳۶۷: ۵۶). چنان‌که آمارهای این مجموعه شعر نشان داد تاثیر توجه شاعر به تشخیص را در عنوان‌های شعری نیز می‌توان دریافت.

نکته‌ی دیگر، وجود یک عنوان از نوع حسامبازی (صدای دیدار) است که در سایر مجموعه‌ها دیده نشده است. تشبیه و استعاره نیز از دیگر صنایع این دفتر شعر سهراب هستند. در مجموع ۹۲ درصد عنوان‌ها در کتاب حجم سبز دارای ساختار ادبی‌اند.

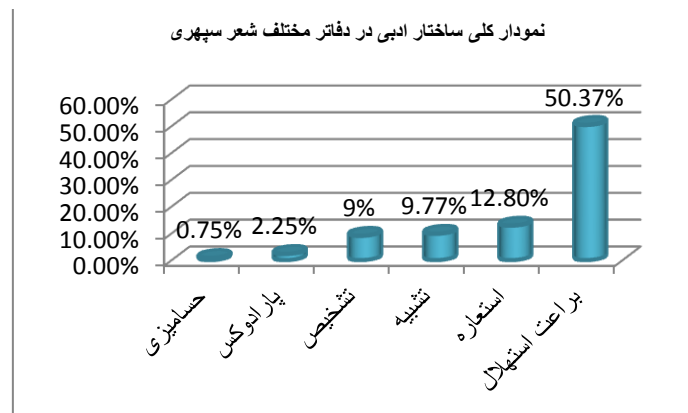
۶- ما هیچ، ما نگاه



«ما هیچ، ما نگاه» آخرین دفتر شعر سهراب است که ۱۲ عنوان از ۱۴ عنوان آن دارای ساختار ادبی هستند. پربسامدترین آرایه‌ها به ترتیب: براعت استهلال، تشخیص، استعاره، تشبیه و پارادوکس می‌باشند که در ادامه نمونه‌هایی از آنها را ذکر می‌نماییم. براعت استهلال: «بی‌روزها عروسک، سمت خیال دوست و تا انتها حضور». تشخیص: «وقت لطیف شن، چشمان یک عبور». استعاره: ای شور ای قدیم و هم سطر هم سپید». تشبیه: «متن قدیم شب». پارادوکس: «نزدیک دورها».

۲-۲-۱- بررسی کلی ساختار ادبی عنوان‌ها

انتخاب عنوان‌های ترکیبی توسط سپهری باعث شده تا بر ارزش ادبی عنوان‌های شعرش افزوده شود. در مجموع ۶ گونه صنعت ادبی در عنوان‌های شعر سهراب سپهری دیده شده است که بسامد این ۶ گونه، به شرح جدول زیر است:



بر اساس این آمار، براعت استهلال پرکاربردترین آرایه‌ی ادبی در عنوان‌های شعر سپهری است که بیش از نیمی از عنوان‌ها بر اساس آن شکل گرفته‌اند. استفاده از براعت استهلال در عنوان شعر، باعث روشن‌تر شدن ذهن مخاطب نسبت به شعر پیش رو می‌گردد و شاید بسامد به کارگیری این صنعت ادبی را بتوان در همین راستا تبیین نمود. در چنین حالتی، عنوان چیزی جدای از متن شعر نیست و شعر در واقع، تفسیر عنوان است. مثلاً شعر «ندای آغاز» از این نوع است؛ زیرا بر درون‌مایه‌ی شعر یعنی فراخواندن شاعر به سلوک تاکید دارد: «کفش‌هایم کو؟/ چه کسی بود صدا زد: سهراب...» (سپهری، ۱۳۸۵: ۲۴۱). «در شعر جنبش واژه‌ی زیست نیز بدون آن که عنوان شعر به صورت لفظی در متن شعر آمده باشد، معنای آن در سرتاسر شعر حس می‌شود. در این شعر سخن از آنست که با حادث شدن هر رویدادی حتی مرگ، زندگی جاریست و زیبایی خاص خود را دارد. به تعبیری، واژه‌ی زیست و زندگی در جنبش است و از حرکت باز نمی‌ایستد» (دهرامی، ۱۳۹۴: ۳۲). صنعت ادبی استعاره با ۱۲٫۸۰ درصد دومین آرایه‌ی پرکاربرد در عنوان‌های شعر سپهری است. حضور پررنگ استعاره را می‌بایست با معناگرا بودن شاعر و با آموزه‌های عرفانی حاضر در شعر وی در تعامل دید زیرا ماهیت چنین تفکراتی، نوعی ابهام را به همراه دارد و استعاره بهترین آرایه برای کمک به ابهام شعر خواهد بود. تعداد تشبیه به کار رفته در عنوان‌ها، یک مورد کمتر از استعاره است. بنابراین نقش تشبیه نیز در این بخش برجسته می‌باشد. اصولاً تشبیه و استعاره از اساسی‌ترین ارکان صورخیال در شعر هر شاعری به حساب می‌آیند. به زبانی دیگر، یکی از مؤلفه‌های سبکی در شعر هر شاعر، توانایی وی در ارائه‌ی تشبیه و استعاره است و از این رهگذر، قدرت شاعری او شناخته می‌شود. یکی دیگر از آرایه‌های پربسامد، تشخیص است که در عنوان‌های به کار گرفته شده از سوی شاعر نقش عمده‌ای را ایفا نموده است. این نقش به‌ویژه در دفترهای شعر «حجم سبز» و «ما هیچ، ما نگاه» کاملاً محسوس است.

بررسی کلی آمارها نشان می‌دهد که از ۱۳۳ عنوان شعر حاضر در کتاب سپهری، ۱۱۳ مورد دارای عنوان ادبی‌اند. به عبارت دیگر، ۸۵ درصد از عنوان‌های هشت کتاب سهراب از ساختار ادبی برخوردارند.

۲-۳- بررسی محتوایی عنوان‌ها

عنوان‌ها را از منظر دیگری نیز می‌توان مورد ارزیابی قرار داد و آن نقش و تاثیر آنها در تبیین مقصود شاعر و بروز محتوای مورد نظر وی برای مخاطب است. به زبانی دیگر، از طریق بررسی عنوان‌های برگزیده شده از سوی شاعر می‌توان به نظام فکری وی دست یافت «چه، شاعر در انتخاب عنوان شعر تمام جوانب را مراعات نموده تا عنوان شعر او به بهترین شکل بیانگر روحيات و اندیشه وی باشد. از این رو، بررسی محتوایی عنوان‌های شعری، در شناخت عناصر فکری شاعر، بسیار راهگشاست» (روحانی و عنایتی، ۱۳۹۴: ۹۲). نام‌ها و عنوان‌ها از واژگان برگزیده‌ی هر شاعر به حساب می‌آیند و به گفته‌ی دکتر شفيعی کدکني «هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساخت‌های

جمال‌شناسی یک شاعر حتماً دیوان‌های او خواننده شود، می‌توان از روی نام کتاب‌ها، ذهنیت او را تحلیل کرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۴۲). عنوان شعر همانند کلیدواژه‌ای می‌تواند با نوعی تاکید، معنا و درون‌مایه‌ی شعر را تبیین نماید. در این بخش سعی می‌شود مفاهیم و موضوعات مد نظر سهراب سپهری از لابه‌لای عناوین شعر وی، برگزیده و تحلیل گردد.

۲-۳-۱- توجه به رنگ

جهانی که سهراب در شعر القاء می‌کند جهان تنهایی آدمی، جهان رنگ‌ها و فراغت روان است. همه‌ی این ویژگی‌های شعری او از نقاشی‌هایش نشأت می‌گیرد زیرا او قبل از این که شاعری شهره باشد، نقاشی توانا بوده است. تحصیلات آکادمیک در زمینه‌ی نقاشی در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران و همچنین برگزاری نمایشگاه‌های مختلف در داخل و خارج از کشور، نشان‌دهنده‌ی علاقه و اهتمام وی به نقاشی است. «او از جمله نادرترین کسانی بود که توانست به‌طور همزمان در دو زمینه‌ی شعر و نقاشی به موفقیت دست یابد... به همین خاطر، وقتی شعر سپهری را می‌خوانیم آن قدر تصویری است و آن قدر خواندنی و دیدنی است که گویی با تابلوی نقاشی روبرو هستیم و وقتی تابلوهای او را می‌بینیم گویا اشعارش را می‌خوانیم، البته به زبانی دیگر، یعنی زبان تصویری، که همه‌ی این ویژگی‌ها نشان از پختگی و مهارت سپهری در هر دو زمینه دارد» (ممیز، ۱۳۸۰: ۳۳۱). این دیالکتیک حاضر در آثار سپهری را در عنوان‌های شعری وی نیز می‌تواند دید. بسیاری از این عنوان‌ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم به رنگ‌ها و نقاشی اشاره دارند که بعضی از آنها عبارتند از: اشاره به رنگ سفید: «سپیده، روشن معما، ورق روشن وقت، آفتابی». اشاره به رنگ سیاه: «در قیر شب، میوه تاریک». سایر موارد: «مرگ رنگ، روزنه‌ای به رنگ، حجم سبز، ساده رنگ، از سبز به سبز، اکنون هبوط رنگ، هم سطر هم سپید». این عنوان‌ها حدود ۱۰ درصد از مجموع عناوین شعر سپهری را شامل می‌گردد.

۲-۳-۲- توجه به طبیعت

یکی از جلوه‌های جذاب شعر سپهری، طبیعت‌گرایی و توجه بیش از حد به جلوه‌های طبیعت و ارائه تصاویر زیبا و دلنشین از آن است. به گونه‌ای که به ندرت می‌توان شعری از وی یافت که در آن به طبیعت و مظاهر آن اشاره نشده باشد. حضور طبیعت از اولین دفتر تا دفتر پایانی -البته با تفاوت‌هایی در نوع نگاه- دیده می‌شود «جهان مطلوب سپهری، طبیعتی است زنده و قائم به ذات و دارای وحدت وجودی که خداوند آن را مظهر رؤیاهای انسان و آرزوهای نهفته‌ی او قرار داده است. پس انسان نمی‌تواند در پهنه‌ی هستی به عنوان موجودی بیگانه با طبیعت به فعالیت پردازد» (ملاابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۷). شعر سپهری شرح دلدادگی وی به طبیعت است. زبان او به طراوت باران و شعر او به زلالی آب چشمه‌ساران است. طبیعت را به سادگی می‌پذیرد و برای آن تقدس قائل می‌شود. و این همان نکته‌ای است که شعرش را از دیگر اشعار معاصر متمایز می‌کند. سهراب همانند همه‌ی عرفای بزرگ، طبیعت را جلوه‌ای از ذات حق می‌داند. از این رو معتقد است که در همه چیز خدا را می‌توان دید: «لای این شب بوها/ پای آن کاج بلند / روی آگاهی آب / روی قانون گیاه» (سپهری، ۱۳۸۰: ۲۷۲).

این توجه ویژه‌ی سپهری به طبیعت که به گفته‌ی برخی از محققان، ریشه در رمانتیسم و تفکرات رمانتیک شاعر دارد (رک پورخالقی و ارمی، ۱۳۹۱: ۷۵-۹۲) و (میکائیلی، ۱۳۸۹: ۲۷۳-۲۹۴) و (رضوانیان و هدایت‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۰۱-۱۲۱)، در عنوان‌های شعری «هشت کتاب» نیز جلوه‌گر شده است به گونه‌ای که ۴۷ عنوان از مجموع عنوان‌های شعری وی، به طور مستقیم به طبیعت و عناصر آن اشاره دارد. به عبارت دیگر، بیش از ۳۵ درصد از عناوین هشت کتاب تحت تاثیر طبیعت‌گرایی سهراب شکل گرفته‌اند. برخی از این عنوان‌ها عبارتند از: سپیده، دره‌ی خاموش، دریا و مرد، نیلوفر، گل آینه، پرچین راز، آوای گیاه، آب، در گلستانه، پیغام ماهی‌ها، آفتابی و....

۲-۳-۳- آموزه‌های عرفانی

سهراب سپهری از معدود شاعران تاثیرگذار معاصر ایران است که تمایلات عارفانه در اشعار او دیده می‌شود برخی عرفان او را الهی و از جنس عرفان کهن متصور شده‌اند و گروهی دیگر عرفانش را آمیزه‌ای از تفکرات ماوراءالطبیعی و خاور دور از جمله تعالیم ذن و بودا می‌دانند و برخی نیز او را پیرو مکتب عرفانی خاصی نمی‌دانند؛ «در ذهن سهراب افکار لائوتسه، کریشنامورتی، بودا و مولانا با هم درآمیخته‌اند و اجتماع این افکار به ظاهر بیگانه، هیچ‌گاه از رنگ و بوی عرفان وی نکاسته، بلکه شکل خاص و ویژه‌ای به عرفان او داده است» (رک واردی، ۱۳۸۴: ۲۶۱). عرفان سپهری، عرفان تفکر و آسودگی و فراغ‌بالی است. عرفان و نگرش عرفانی، در تمامی اجزا و عناصر شعر او نفوذ دارد در عرفان او تمام نامها و مرزها رنگ می‌بازد و به کنار می‌رود. عرفان سپهری، از این جهت که اعتقاد دارد می‌توان به کنه واقعیت پی برد و از این جهت که در نظر او تمام اجزای طبیعت جان دارند، به عرفان ایرانی شباهت دارد. به هر روی، آنچه مسلم است سپهری به عنوان یکی از چهره‌های تاثیرگذار ادبیات معاصر، دارای مشرب و مسلک عرفانی و نظام فکری خاصی است که خصوصیات ویژه‌ای دارد. بررسی عنوان‌های شعر وی نیز به خوبی بیانگر حضور این تفکر و وجود چنین آموزه‌هایی است. به‌ویژه در عنوان‌های اشعار مجموعه‌های «حجم سبز» و «ما هیچ، ما نگاه» این ویژگی محسوس است. این موضوع را از واژگان خاص و نمادینی که وی برای عنوان اشعار خود برگزیده است می‌توان دریافت، واژگانی که اشاره به برخی آموزه‌ها همچون: ابن‌الوقت بودن، توجه به معبود، بی‌پیرایگی، نگاه تازه و... دارند. برخی از این عنوان‌ها عبارتند از: واحه‌ای در لحظه، تپش سایه دوست، صدای دیدار، ورق روشن وقت، دوست، ای شور ای قدیم، نزدیک دورها، وقت لطیف شن، سمت خیال دوست، ای نزدیک، پرچین راز، تا انتها حضور و... .

۲-۳-۴- غم و شادی (امید و ناامیدی)

حقیقت آن است که شعر سپهری در مجموعه‌های آغازین، با نوعی ناامیدی و اندوه همراه است. این ویژگی به خصوص در دفتر «مرگ رنگ» محسوس‌تر است؛ «سپهری در این مجموعه، از نظر محتوا، از سرنوشت کلی جهان و اضدادی که در آن وجود دارد، سخن می‌گوید نه از دنیای خاص یا برهه‌ای خاص از زمان» (ترابی، ۱۳۷۵: ۲۸). در این دفتر، «از تنهایی، غم و اندوه، شب و سیاهی صحبت شده است. شاعر از مواجهه با جهان بیرون، گریزان است، بنابراین به خواب پناه می‌برد و آن را مأمنی می‌داند که او را از واقعیت جدا می‌کند» (آشوری و همکاران، ۱۳۷۱: ۸۳). غم او ناشی از سرخوردگی اجتماعی است و مخاطب در مجموعه‌ی «مرگ رنگ» با نوعی رمانتیکسم سیاه روبروست. در دومین مجموعه شعر، یعنی «زندگی خواب‌ها» اگر چه سیاهی‌های دفتر «مرگ رنگ» کمتر شده، اما شاعر هنوز با آن درگیر است. در مجموعه شعر بعدی سپهری - «آوار آفتاب» - سوسویی از امید یافت می‌شود اما هنوز ایمان به مرحله‌ی کامل نرسیده است. به همین ترتیب، هرچه از دفتر ابتدایی به سوی مجموعه‌های پایانی، به‌ویژه «حجم سبز» حرکت می‌کنیم، شعر و اندیشه‌ی سپهری، روشن‌تر و زلال‌تر جلوه می‌نماید و آن غم و اندوه ابتدایی، جای خود را به شادی معنوی می‌دهد. سهراب به دلیل مسلک عرفانی خاص خود دارای ساختار اندیشگانی ویژه‌ای است که او را به سمت مولفه‌هایی همچون عادت‌ستیزی، تقلیدناپذیری، نگاه تازه و حرکت سوق می‌دهد. قطعاً آشنایی با آموزه‌های عرفانی نقش مهمی در این تغییر و تحول در دفترهای پایانی داشته است. تحولی که برخی محققان از آن به عنوان تکامل شعری سپهری یاد می‌کنند (رک مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۵۹).

بررسی عنوان‌هایی که سهراب سپهری برای اشعار دفاتر مختلف خود برگزیده است نیز ما را به نتایج فوق می‌رساند به‌گونه‌ای که غم، سیاهی و ناامیدی در عناوین مجموعه شعر «مرگ رنگ» و نوعی امید، روشنایی و رهایی در عنوان‌های دفتر شعر «حجم سبز» کاملاً مشهود است. در دفتر «مرگ رنگ» با این عنوان‌ها روبرو هستیم: «در قیر شب، مرغ معما، سراب، رو به غروب، غمی غمناک، خراب، دل‌سرد، درّه خاموش، دیوار، مرگ رنگ، وهم، سرود زهر» که همه‌ی این‌ها در راستای عنوان اصلی مجموعه -مرگ رنگ- قرار دارند و به مانند نمادهایی برجسته، خواننده را با فضای وهم‌آلود و غمگین شعر شاعر، آشنا می‌سازند. اما در مجموعه‌ی «حجم سبز» که در آن رنگ‌ها از مرگ

گریخته و به زیباترین نوع خود -سبز- تغییر نام داده‌اند، با این عنوان‌ها مواجهیم: «روشنی، من، گل، آب، و پیامی در راه، آب، تپش سایه دوست، صدای دیدار، شب تنهایی خوب، آفتابی، جنبش واژه زیست، از سبز به سبز، ندای آغاز دوست و...». عنوان‌هایی که در راستای اندیشه‌ی ناب و تازه‌ی سهراب، شکل گرفته و جایگزین عناوین کدر و یاس-آلود «مرگ رنگ» شده‌اند. همین موضوع، تأکیدی است بر این که شاعر، تفکر و ذهنیات خود را در قالب عنوان، بروز می‌دهد و از رهگذر تحلیل عنوان‌ها می‌توان به روحیات شاعر و درون‌مایه‌های شعر وی پی برد.

۳- نتیجه

یکی از راه‌های شناخت شعر، بررسی عنوان آن است. انتخاب عنوان برای شعر به شکل مصطلح امروزی، در ادبیات کلاسیک فارسی کمتر دیده می‌شود و شعرها بر اساس ردیف، قافیه، حرف روی و ... دسته‌بندی می‌شده‌اند. در ادبیات معاصر توجه به نام‌گذاری اشعار رواج فراوانی یافته است به گونه‌ای که عنوان شعر، جزوی از شعر محسوب می‌شود و کارکردهای زیباشناختی فراوانی دارد.

در این مقاله، از طریق عنوان‌شناسی شعرهای سپهری در هشت کتاب -با روش آماری- دریافتیم که میان عنوان‌ها و اندیشه‌ی حاکم بر اشعار او، هم در حوزه‌ی صورت و هم در حوزه‌ی محتوا، انسجام و پیوندی استوار برقرار است. از لحاظ ارتباط عنوان‌ها با شعر، بررسی‌ها نشان داد که شاعر، ۶۹ درصد از این عناوین را خارج از متن شعر و از طریق معنایی انتخاب نموده است. البته روند این انتخاب از دفتر ابتدایی تا دفتر پایانی، سیر صعودی دارد به زبانی دیگر، هرچه به دفتر پایانی نزدیک می‌شویم، شاعر توجه خود را از لفظ به معنا معطوف نموده است تا جایی که می‌بینیم در دفتر «ما هیچ، ما نگاه» هیچ کدام از عنوان‌ها از متن شعر برگزیده نشدند. همین موضوع، تأکیدی است بر این که سهراب در دفتر پایانی شعر خود، تحت تاثیر اندیشه‌های ناب و کشف و شهودهای عارفانه، معناگراتر شده است.

بررسی زبانی عنوان‌های شعر سپهری نشان می‌دهد عنوان‌های یک‌جزیی، بیشترین کاربرد را دارد و ۳۶ درصد از مجموع عنوان‌ها را شامل شده است. عنوان‌های دوجزیی نیز ۳۲ درصد از عنوان‌ها را تشکیل داده‌اند. نکته‌ی مهم در بررسی زبانی عنوان‌های شعر سپهری این است که خط سیر ساختار زبانی عنوان‌ها در شعر سپهری از عنوان یک-جزیی به سمت عنوان‌های طولانی‌تر (جمله‌ای و پیوندی) کاملاً نزولی است به گونه‌ای که فقط یک مورد عنوان پیوندی دیده می‌شود و تعداد اجزای عنوان‌ها -جز یک مورد- از چهار جزء عدول نمی‌نماید.

یکی دیگر از جهات مورد بررسی عنوان‌ها، نگاه ادبی به آنهاست. از این منظر، بررسی کلی عنوان‌ها بیانگر آن است که از ۱۳۳ عنوان حاضر، ۱۱۳ مورد دارای عنوان ادبی‌اند. این یعنی ۸۵ درصد از عنوان‌ها دارای ساختار ادبی‌اند. این ساختار در شعر سپهری، شامل آرایه‌هایی چون بראعت استهلال، استعاره، تشبیه، تشخیص، پارادوکس و حسامیزی است که به ترتیب بیشترین کاربرد را دارند. بראعت استهلال پرکاربردترین آرایه‌ی ادبی در عنوان‌های شعر سپهری است که بیش از نیمی از عنوان‌ها بر اساس آن شکل گرفته‌اند. حضور پررنگ بראعت استهلال در انتخاب عنوان‌ها، مبین آن است که شاعر به وظیفه‌ی ذاتی عنوان‌ها یعنی تفسیر متن اعتقاد دارد. استعاره نیز با ۱۲٫۸۰ درصد، دومین آرایه‌ی پرکاربرد محسوب می‌گردد. حضور استعاره با حضور آموزه‌های عرفانی در شعر سپهری که با نوعی ابهام همراه است، تطبیق دارد. نقش تشبیه و تشخیص نیز در ساختار ادبی عنوان‌های شعری سپهری، برجسته است. به‌ویژه صنعت تشخیص که با روحیه‌ی طبیعت‌گرای سهراب و اندیشه‌ی جاندارپنداری اجزای طبیعت و لزوم احترام به همه-ی عناصر هستی -ناشی از آموزه‌های خاص عرفانی شاعر- همسو است.

عنوان‌های شعر سپهری در مجموعه‌های مختلف، از نظر محتوا نیز قابل تحلیل‌اند. بدین گونه که نگاهی به عنوان‌ها ما را به سوی درون‌مایه‌ها و مضامین مورد نظر شاعر، سوق می‌دهند و می‌توان به راحتی به ساختار فکری شاعر دست یافت. در این مقاله نشان داده شد که از طریق بررسی عنوان‌های شعر سهراب، مضامینی همچون: توجه به رنگ،

طبیعت‌گرایی، آموزه‌های عرفانی و مفاهیم غم و شادی، قابل دریافت است. همان مضامینی که ساختار ذهن و اندیشه‌ی سپهری را تشکیل می‌دهد و از برجسته‌ترین درون‌مایه‌های شعر او محسوب می‌گردد. در پایان باید گفت که از طریق بررسی و دقت در عناوین و نام‌هایی که شاعران برای اشعار خود برمی‌گزینند، به سهولت می‌توان به درون‌مایه، احساسات و حتی خط فکری هر شاعر پی برد. چنان که در این جستار با تدقیق در عنوان‌های شعر سپهری، دریافتیم که وی در دفاتر پایانی، درون‌گراتر از دفاتر آغازین است و توجه وی به بیان آموزه‌های عرفانی از عنوان‌های اشعار دفاتر پایانی او آشکار است. بنابراین، توجه به عنوان‌ها از منظرهای مختلف، در تحقیقات ادبی، بسیار مهم و مؤثر بوده و لزوم انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه احساس می‌گردد.

یادداشت‌ها

(۱) از میان هشت دفتر شعر سهراب سپهری، دو دفتر «صدای پای آب» و «مسافر» به صورت منظومه‌ای بلند سروده شده‌اند بنابراین در بررسی‌های مختلف این مقاله، مد نظر قرار نگرفتند.

منابع و مآخذ

- ۱- پورخالقی چترودی، مه‌دخت و ارمی‌اول، سیما؛ «تحلیل الگویی نموده‌های رمانتیسیم در شعر سپهری»؛ پژوهش‌های ادبی و بلاغی پیام نور، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص ۷۵-۹۲.
- ۲- ترابی، ضیاء الدین؛ سهرابی دیگر؛ تهران: دنیای نو، ۱۳۷۵.
- ۳- حسینی، کاووس؛ گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران؛ تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۳.
- ۴- حسینی، حسن؛ بیدل، سپهری و سبک هندی؛ تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۷.
- ۵- دهرامی، مهدی؛ «بررسی چگونگی نام‌گذاری عنوان شعر در ادبیات سنتی و معاصر و کارکردهای زیباشناختی آن»؛ مجله‌ی شعر پژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، سال ۷، شماره ۱، ۱۳۹۴، صص ۱۹-۳۶.
- ۶- رضوانیان، قدسیه و هدایت‌نژاد، فاطمه؛ «بررسی تطبیقی مولفه‌های رمانتیک در شعر سهراب سپهری و ویلیام بلیک»؛ نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه باهنر کرمان، سال ۷، شماره ۱۳، ۱۳۹۴، صص ۱۰۱-۱۲۱.
- ۷- روحانی، مسعود و عنایتی محمد؛ «بررسی ساختاری-محتوایی عنوان‌های شعری م. سرشک در آینه‌ای برای صداها»؛ دو فصلنامه‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۲۳، شماره ۱، ۱۳۹۴، صص ۷۳-۱۰۰.
- ۸- سپهری، سهراب؛ هشت کتاب؛ تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۵.
- ۹- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ زمینه اجتماعی شعر فارسی؛ تهران: اختران، ۱۳۸۶.
- ۱۰- غیاثی، محمد تقی؛ درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری؛ تهران: شعله اندیشه، ۱۳۳۸.
- ۱۱- گرجی، مصطفی و میری، افسانه؛ «بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصر امین‌پور»؛ جستارهای ادبی، شماره ۱۳۸۸، ۱۶۷، صص ۷۹-۱۰۵.
- ۱۲- آشوری، داریوش و امامی، کریم و معصومی‌همدانی، حسین؛ پیامی در راه (نظری به شعر و نقاشی سهراب سپهری)؛ تهران: طهوری، ۱۳۷۱.
- ۱۳- مقدادی، بهرام؛ هدایت و سپهری؛ تهران: هاشمی، ۱۳۷۸.
- ۱۴- مللاً ابراهیمی، عزت و رشیدی، خدیجه و سن‌سبلی، بی‌بی‌راحیل؛ «بررسی تطبیقی طبیعت‌گرایی در اندیشه‌های سهراب سپهری و جبران خلیل جبران»؛ مجله ادب عربی، سال ۵، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص ۲۱۳-۲۶۳.

بررسی و تحلیل ساختاری عنوان‌ها در هشت کتاب سهراب سپهری / ۱۷

۱۵- ممیز، مرتضی؛ «سپهری یک نقطه‌ی عطف»، معرفی و شناخت سهراب سپهری؛ شهناز مرادی کوچی، چاپ اول، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰.

۱۶- میکائیلی، حسین؛ «پیوند عرفان و رمانتیسیم در شعر سپهری»؛ مطالعات عرفانی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، شماره ۱۱، ۱۳۸۹، ص ۲۷۳-۲۹۴.

